

توسعه بهداشت در اواخر دوره قاجار*

محسن گنج‌بخش زمانی

چکیده

این نوشتار در پیوند با مقاله قبلی در شماره پیشین این نشریه، مقدمه‌ای کوتاه بر نخستین کوشش‌های ایرانیان برای توسعه اوضاع بهداشت عمومی و شهری به روایت اسناد به‌دست آمده از آرشیو اسناد تاریخی وزارت امور خارجه می‌باشد. در این بخش کوتاه تعداد محدودی از اسناد حاوی دستورالعمل‌های مربوط به لزوم انجام یک سری اقدامات بهداشتی در اواخر دوره قاجاریه ذکر می‌شود که خود گویای نخستین تلاش‌های رسمی و دولتی برای ساماندهی نسبی اوضاع بهداشت عمومی و شهری در ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی

تاریخ پزشکی؛ اسناد تاریخی؛ بهداشت؛ دوره قاجار.

* این نوشتار در ادامه مقاله «تحولات بهداشتی در اواخر دوره قاجاریه» مندرج در شماره پیشین این فصلنامه می‌باشد.

توسعه بهداشت در اواخر دوره قاجار

چنانکه پیشتر هم اشاره شد در دوره قاجار رویکردی جدید نسبت به پزشکی و مسئله بهداشت در سیر تحولات اجتماعی ایران رخ داد و این تحولات با تأسیس مدرسه دارالفنون و هیأت صحیه یا مجلس حفظالصحه دولتی به شکل سازمان یافته‌تری راه خود را پیمود. یکی از کارهای اولیه هیأت صحیه جدید تنظیم و اجرای مقرراتی برای تأسیس یک قرنطینه مرزی بود که علیرغم مشکلات اولیه فراوان در نهایت اثر نسبتاً قابل قبولی از خود برجای گذاشت. چرا که در آغاز این راه سرسختی‌ها و موانع عدیده‌ای بر سر راه توسعه بهداشت عمومی در کشور وجود داشت. دامنه این موانع از مقاومت‌های فرهنگی مردم شروع می‌شد و با سرسختی‌های حکام محلی در برابر هرگونه تحول‌خواهی و همچنین مقاومت‌های برخی از طبیبان سنتی درهم می‌آمیخت و روند توسعه بهداشتی در کشور را کند می‌نمود.

در نخستین گام رویکرد پیشا پاستوری (pre-pasteurian) عفونت‌های هوایی را به عنوان عامل اصلی بیماری‌های واگیردار تلقی می‌نمود که از سال ۱۸۲۱م. به بعد سالانه هزاران تن را می‌کشت این بیماری‌ها که در اردوگاه‌های نظامی و اماکن پرجمعیت اشاعه می‌یافت، حکومت قاجار را وادار کرد که از حریم «خاصه» و «خواص» فراتر رود و به گسترش و بهسازی عرصه عمومی و پیشبرد «منافع عامه» و «حفظالصحه عمومی» پردازد. در واقع، به قصد رفع عفونت هوا بود که طرح آن با جمع کردن خاکروبه و سنگفرش کردن و جاروبی معابر، ساختن مستراح‌ها و رختشوی‌خانه‌های عمومی، درختکاری در معابر شهری، نظارت بر دباغ‌خانه‌ها و سلاخ‌خانه‌ها و مرده‌شوی‌خانه‌ها و قبرستان‌ها ریخته شد (توکل‌طرقی، ۱۳۸۷).

برای نمونه، در همدان عبدالباقی میرزا نایب الحکومه به سبب اینکه ناخوشی وبا بیشتر از کثافت شهر حاصل می‌شود این روزها قدغن کرده است که سلاخ‌خانه را بیرون شهر ببرند که آنچه گوسفند کشته می‌شود در خارج شهر کشته بشود و همچنین در رفع کثافات از کوچه‌ها و محلات و جاروب کردن و آب پاشیدن و پاکیزه نگاهداشتن کوچه‌ها و خانه‌ها قدغن اکید کرده است که آنچه اسباب ظهور ناخوشی باشد رفع نموده کوچه‌ها و محلات و معابر را پاک و منقح نمایند که استعداد ناخوشی وبا در همدان انشاءالله بهم نرسد» (روزنامه وقایع اتفاقیه، رمضان ۱۲۶۶ق./ جولای ۱۸۵۳).

اما در ادامه تحولات دانش بشری در زمینه پزشکی و مسائل مربوط به بهداشت، یک الگو یا پارادایم جدید معرفتی که به نام‌های «انقلاب پاستوری» و «انقلاب میکروبی» نیز معروف است، به جای عفونت هوا، آلودگی آب را علت اصلی اشاعه بیماری‌های واگیردار تلقی می‌نمود در این خصوص روزنامه تربیت در یکی از شماره‌های خود گزارشی را از دکتر بازیل به نقل از دکتر توکلی به شرح ذیل آورده است:

«در ایران غالب امراضی را که عفونتی می‌دانند و گمان می‌کنند به واسطه هوای تنفسی سرایت می‌کند سرایت آن به واسطه آب و غذایی است که می‌خوریم و به تصریح باید بگوییم که از این قبیل است تیفوئید و وبا و اسهال و ذوسنطاریا و نوبه و تب زرد و دیفتری و گلودرد و امراضی که از حیوانات و کرم‌های امعاء حاصل می‌شوند و بروز می‌کنند». (روزنامه تربیت، ذی‌القعدة ۱۳۱۵/۱۸۹۸آوریل).

با بررسی ویروس شناختی آب، نهرها و جویبارها، حوضخانه‌ها و وضوخانه‌ها، مرده‌شوی‌خانه‌ها و سقاخانه‌ها، آب انبارها و خزانه‌های حمام به تدریج پایگاه اشاعه بیماری‌های واگیردار شناخته شدند. این شناخت که توجه را به کیفیت و باطن

آب جلب می‌کرد در دوره اول مجلس قانون بلدیه در ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری به تصویب رسید. در این قانون وظایف بلدیه این‌گونه برشمرده شده است: «امور بلدیه از قرار تفصیل است (اولاً) اداره کردن آنچه اهالی شهر برای اصلاح امور بلدیه به موجب قانون می‌دهند؛ (ثانیاً) اداره کردن اموال منقوله و غیرمنقوله و سرمایه‌هایی که متعلق به شهر است؛ (ثالثاً) مراقبت در عدم قحطی آذوقه شهر به وسایل ممکنه؛ (رابعاً) ساختن و پاک نگهداشتن کوچه‌ها و میدان‌ها و خیابان‌ها از پیاده‌رو و کالسکه‌رو و باغ‌های عمومی و مجاری میاه و زیر آب‌ها و پل‌ها و معابر و غیره و همچنان روشن کردن شهر و تقسیم آب‌های شهری و مراقبت در تنقیه قنوات و پاکیزگی حمام‌ها؛ (خامساً) مراقبت در رفع تکدی و تأسیس دارالمساکین و دارالعجزه و مریضخانه‌ها و امثال آن؛ (سادساً) معاونت در اقدامات حفظ‌الصحه و حفظ دواب و حشم و تأسیس دواخانه‌ها و امثال آن؛ (سابعاً) مواظبت در اینکه معابر شهری موافق نقشه معینی باشد و اقدامات مقتضیه بر ضد حریق و سایر بلیات سماوی و ارضی به عمل آید؛ (ثامناً) بیمه ابنیه متعلق به شهر از حریق؛ (تاسعاً) معاونت در تکثیر معارف و مساعدت در دایر نمودن کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌ها و موزه‌ها و حفظ و مرمت مساجد و مدارس و ابنیه عتیقه؛ (عاشرأ) مساعدت با دولت در ساختن بازارها و نمایشگاه‌های تجارتي و کلیتاً مراقبت رواج حرفت و تجارت شهر و دایر نمودن محل تشخیص اسعار و معاملات عمومی»^۱.

اسناد به‌دست آمده در اواخر دوره قاجاریه نیز از توجه بیشتر سازمان‌های بهداشتی کشور به مسئله بهداشت شهری حکایت دارد. این مهم در قالب دستورالعمل‌هایی که از طرف مجلس حفظ‌الصحه دولتی و وزارت داخله توصیه می‌گردید به منصفه اجرا درمی‌آمد.

پیشنهاد انجام لوله کشی و جایگزینی آن با سیستم قنات‌ها به دلیل امکان شیوع گسترده بیماری‌های واگیردار ناشی از آب‌های آلوده، تأکید بر لزوم انجام اقدامات بهداشتی در شهر تهران، تأکید بر لزوم انتقال طویله‌ها و گاری‌خانه‌ها به خارج از شهرها، لزوم شن‌ریزی در خیابان‌ها و انتقال زباله و کثافات به خارج از شهرها، پاکسازی رودخانه‌ها، ساخت توالت‌های عمومی در شهرها برای جلوگیری از ادرار در خیابان‌ها، استفاده از ماشین‌آلات برای تسطیح خیابان‌ها، تأکید بر لزوم دفن اموات در گورستان‌های ساخته شده در خارج شهرها، حفر چاه‌های عمیق برای غسال‌خانه‌ها، ساخت بیشتر قرنطینه‌ها و بیمارستان جهت پذیرایی از بیماران در هنگام بروز بیماری‌های واگیردار، توسعه قرنطینه‌ها و نظارت بیشتر بر طب‌های، شربت‌فروشی‌ها، سقاخانه‌ها، رخت‌شوی‌خانه‌ها و مزبله‌ها و تأکید بر رعایت اصول بهداشتی بیشتر، از جمله مواردی است که برای جلوگیری از گسترش بیماری‌ها مورد توجه قرار گرفته بود که اسناد مربوط به آن به شرح ذیل می‌باشد.

[سند شماره ۱]:^۲

مجلس حفظ‌الصحه دولت علیه ایران

۱۶ ژون ۱۹۰۶ نمره ۶۱۶

از ملاحظه صورت متوفیات طهران ظاهر می‌شود که از ششم تا دوازدهم ژون پنجاه نفر فوت شده، از این جمله ۲۰ نفر به مرض مطبقة و ۶ نفر به مرض اسهال تلف شده‌اند [۴] بنابراین نصف وفات‌ها به این دو مرض بوده است.

چنانکه مکرر به حضرت اجل و به حضرت اشرف والا اتابک اعظم عرض کرده‌ام تمام این امراض از قبیل مطبقة و اسهال و دوسنطاریا و غیره به‌واسطه کثافت آب ایجاد می‌شود.

به این ترتیب حالیه قنات‌ها ممکن نیست آب مشروبی تمام شهر را از کثافات حفظ کرد چاره این کار منحصر است به اینکه لوله‌های بی‌خلل و فرج برای مجاری آب بکشند. لهذا جا دارد که اعلیحضرت همایونی با رأفت و عطوفت مخصوصی که نسبت به تمام رعایا دارند در این باب اشارتی بفرمایند که هر سال جمعی از رعایا از مرگ خلاصی یافته، اسباب پاکی آبها چنانکه در شرع مقدس داده شده است فراهم آید.

علاوه بر این لازم است مجدداً در خصوص لزوم بنا و تشکیل مبال و رخت‌شورخانه‌های عمومی که در تمیزی آب‌های شهر خیلی دخالت دارد خاطر مبارک را یادآور شوم. مراسم اخلاص کیش مرا قبول فرمایید.

دکتر شنیدر

سند ذیل نمونه‌ای از اقدامات انجام شده توسط اداره حفظ‌الصحه ایالتی (آذربایجان) برای جلوگیری از شیوع وبا در منطقه تحت نظارتش می‌باشد:

[سند شماره ۲]:^۳

راپرت عرایض مسیو دوبروک مهندس طرق و شوارع به حضور مهر ظهور حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد اکرم اعظم والا اتابک اعظم دام شوکت العالی تصور می‌نماید اولیای دولت علیه بی‌موقع نداند در این اوقات اقدامی در خصوص نظافت شهر دارالخلافه و عملیات راجع به فواید عامه به‌عمل آید. ازدیاد اهالی و کثرت عبور و مرور درشکه و گاری و غیره در کوچه‌ها ولزوم ترتیبات حفظ‌الصحه پاکیزگی و تزیین پایتخت مملکت محروسه دلایل قوی هستند که اداره سنیه بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایونی اعلی روحنا فداه و خاطر مهر مظاهر حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد اکرم والا در این خصوص جلب

بشود. اهالی شهر دارالخلافه از داخله و خارجه ناچار حاضر خواهند بود که برای پیشرفت این مقصود و عملیات راجع به فواید عامه همه قسم ار کمک نقدی دریغ نمایند.

[سند شماره ۳]:^۴

وزارت داخله مورخه ۱۵ شهر ذی قعدة ۱۳۳۳

اداره حفظالصحه دائره ضمیمه

نمره ۲۵۹

وزارت جلیله امور خارجه

نظر به پیشنهاد کمیسیون حفظالصحه دولتی لازم است بقدر امکان از وسایل سرایت امراض مسریه جلوگیری شود. یکی از آنها مگس و پشه است که در طویله و گاری خانه‌های داخل شهر به وفور تولید می‌شود. لازم است به اتباع خارجه که مال و گاوی در داخل شهر دارند اطلاع داده شود که طویله مال‌ها را به خارج شهر برده و برای سهولت پیشرفت به توسط تلفون می‌تواند تهیه مال و گاری برای بار یا مسافرین نموده و در این موقع بروز وبا اسباب سرایت مرض کمتر شود و نیز به اداره واگون‌خانه باید اطلاع داده شود در پاک کردن و رفع کثافات طویله خود اقدامات عاجلی نماید.

سجعه مهر: وزارت داخله

[سند شماره ۴]:^۵

کارگزاری آذربایجان

سواد مشروحه اداره حفظالصحه ایالتی به کارگذاری آذربایجان نمره ۱۹۳

اقداماتی که از طرف اداره حفظالصحه ایالتی در عرض این دو هفته اخیر راجع به مرض وبا و جلوگیری از شیوع آن به عمل آمده اولاً در شهر به قرار ذیل است:

۱- به توسط اعلامات عدیده حفظالصحه برای عموم اهالی در این موقع اخطار گردیده.

۲- برای تنظیف و حفظالصحه شهر به توسط اداره بلدی و حکومت شهر به طور ذیل اقدام می‌شود:

در خصوص آب‌های شهر و مجاری آنها و حمام‌ها و قبرستان‌ها و غسل‌خانه‌ها و دب‌خانه‌ها و دکاکین طب‌خی و شربت فروش‌ها و سقاخانه‌ها و رخت‌شوری و مزبله‌ها و غیره آنچه وظیفه حفظالصحه بوده تأکید و قبرستان‌ها را که در داخل شهر واقع‌اند موقوف و در خارج شهر نقاطی معین شده که من بعد اموات را در آنجا دفن خواهند نمود. دب‌خانه را از شهر خارج و رخت‌شوری در نه‌رها من بعد موقوف می‌شود. برای غسل‌خانه‌ها چاه‌های مخصوص عمیق کنده می‌شود که آب آلوده به آب‌های دیگر مخلوط نشود.

۳- در هر محله یک نفر طبیب به معاونت کمیسر محل برای اجرای قواعد حفظالصحه مأمور است و یک نفر طبیب منقش سیار برای عموم محلات شهر معین گردیده.

۴- چون مریض‌خانه دولتی حالیه به مناسبت خطر سرایت مرض به سایر [مرض] نمی‌تواند این قسم مرض‌ها را قبول نماید لهذا اداره بلدی متقبل شده که در یکی از باغات طرف آجی که آب جاری نداشته باشد تعیین مکان برای مریض‌خانه جدیدی بنماید تا با عملیات اداره حفظالصحه و معاونت اداره پلیس شهری مریض‌های مسری در آنجا پذیرایی و معالجه شوند.

این مریض‌خانه دارای یک طبیب و یک معاون و یک مدیر با هفت نفر خدمتکار و پرستار و سه نفر خدمه خواهد بود. حالیه چادر آفتاب‌گردان یک دستگاه و چادر قلندری (۱۵) دستگاه با یک چادر آشپزخانه برای این مریض‌خانه معین شده. برای حمل مرضی [بیماران] چهارده دستگاه درشکه با علامات مخصوص در محلات مختلف شهر معین گردیده ثانیاً در اطراف آنچه اقدام شده به قرار ذیل است:

(۱) برای جلفا یک نفر طبیب (دکتر عباس میرزا) اعزام شده.

(۲) برای تشکیل قرانطین در مرز، چون جلفا آلوده به مرض بوده است یک نفر طبیب دکتر صدیق‌الحماء با لوازم اعزام و حالیه مشغول معاینه عابرین و مسافرین است.

ولی از قراری که دکتر صدیق‌الحکماء راپورتاً اظهار داشته‌اند برای تشکیل قرانطین مابین مرز و جلفا در (دره دیز) یک چادر دو سری را با چهار قلندری و یک چادر ضروری و شش نفر قزاق لازم می‌داند و اجازه مخابرات مجانی خواسته است که باید از طرف ایالت جلیله مرحمت شود. از قرار همان راپورت در جلفا تقریباً سکنه نیست، باید تحقیقات به‌عمل آید تا کیفیت مسأله کاملاً معلوم و اگر امکان‌پذیر باشند قرانطین در جلفا گذاشته شود که سر راه خوی و قراچه داغ و غیره است و البته از مرند اصلح خواهد بود.

به ایالت جلیله در لزوم تشکیل یک قرانطین در خوی برای مسافرینی که از جلفا و قفقازیه وارد می‌شوند شرحی عرض شد. این قرانطین ممکن است به سهولت از طرف حکومت محلی در آنجا تشکیل شود. مراتب معروضه را مقرر فرمایید به مرکز اطلاع دهند.

اعلم الملک

کارشکنی‌های قدرت‌های خارجی و بروز مشکلاتی بر سر راه اقدامات بهداشتی یکی دیگر از مشکلات مبتلا به توسعه بهداشت در ایران عصر قاجار، کارشکنی‌های قدرت‌های خارجی حاضر (به‌ویژه انگلستان و روسیه) در ایران بود. انگلیسی‌های در شمال ایران علیرغم اقداماتی که در برقراری قرنطینه‌های در خلیج فارس انجام داده بودند، بیشتر منافع سیاسی و تجاری خود را مد نظر قرار می‌دادند.

[سند شماره ۵]:^۶

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد اسعد اکرم افخم والا شاهزاده معظم بندگان صدر اعظم مد ظله

وقتی که امر و مقرر فرمودند به رئیس گمرکات بوشهر تلگرافاً اطلاع داده شود که... دخالت رسمی در امور قرانطینه آنجا ننماید چاکر به خوبی از اشکالاتی که در بین بوده است استحضار نداشت. راپرتی دیروز رسیده که مورخ دهم سپتامبر است و مراتب مسطور ذیل را شرح می‌دهد:

اولاً با اینکه از سلخ ژون الی حال به هیچ وجه اثری از طاعون در بندر لنگه نیست طبیب انگلیس هنوز قرانطینه را در آنجا دایر دارد [۴] نه تنها این قرانطینه هیچ فایده حفظ‌الصحه ندارد [۴] بلکه برای تشریف امور تجارتی آنجا مضر و مانع است و فواید تجارتی آنجا عاید بنادر (باسیدو) و سواحل عمان که در تحت حمایت انگلیس است می‌گردد. در این صورت ادراک این معنی خیلی واضح است که چرا قرانطینه در لنگه دایر داشته‌اند.

ثانیاً دکتر لوبو طبیب انگلیس در قرانطینه از هر نفری دو قران حق قرانطینه برای شخص خود گرفته است اعم از آنکه آن شخص در لنگه از کشتی پایین آمده باشد یا به هیچ وجه پیاده نشده باشد.

شکایت این مسأله را صاحبان کشتی نزد رئیس گمرک برده‌اند و رئیس گمرک به رئیس قرائطینه گوشزد نموده است که اولاً اخذ این وجه بی‌قاعده بوده است. ثانیاً آنچه که به این اسم گرفته شده متعلق به دولت علیه است و دکتر لوبو حق آن را نداشته است که برای شخص خود چیزی بگیرد بر فرض هم اگر حق بایستی گرفته شود به شخص طبیب ربط ندارد.

رئیس گمرک در راپرت خود استدعا کرده است که اولاً این حق مجعول را متروک دارد، ثانیاً آنچه تا به حال از این بابت دریافت داشته‌اند مسترد دارند که به صاحبان آن داده شود و یا داخل صندوق قرائطینه دولت بشود. دکتر (کوندون) اعتراف نموده است که اخذ این وجه بی‌قاعده بوده است و متروک داشته‌اند ولیکن در استرداد آنچه که دریافت کرده‌اند امتناع نموده است.

ثالثاً یک فروند کشتی جنگی انگلیسی که در بندر لنگه و سایر بنادر جنوبی در وقت ناخوشی سیر می‌نمود از عمله جات آن به بنادر مزبوره مراوده داشته‌اند وارد بوشهر شده بدون حفظ ترتیب قرائطینه عمله جات خود را پیاده و داخل شهر نموده است. هرگاه صدمه در ورود بی‌ترتیب عمله جات آن به حفظ الصحه نرسد اصل این حرکت ناصحیح است که کشتی جنگی انگلیس مانند آنکه به بنادر مفتوحه غیرمنظم وارد می‌شود به بوشهر وارد شده حفظ هیچ‌گونه نظم و قاعده را نکرده عمله جات خود را پیده کنند. رئیس گمرک جهت این بی‌تربیتی هر چه سؤال کرده است کسی جواب به او نداده است چند روز بعد که کشتی مظفر از بصره وارد می‌شود در حالتی که تمام قواعد حفظ صحت در او منظور شده بود و محض اینکه پرده زرد نکشیده بوده است در بوشهر خیلی اشکالات فراهم آورده‌اند و حال آنکه هیچ‌وقت همچو چیزی معمول نبوده است. مسیو وافلارت رئیس

گمرکات سواحل خلیج فارس چنان استنباط کرده است که این حرکت منافعی ترتیب بوده و برای دولت علیه ایران خوشایند نیست.

در این باب چاکر رای [رای] نمی‌دهد. فقط عین مطلب را به حضور [حضور] مبارک عرض و کسب تکلیف می‌نماید.

رابعاً بدون اجازه و اطلاع دولت علیه دکتر (کوندون) طبیب انگلیس را برای رسیدگی عابرین و مسافرین از طهران و اصفهان و شیراز به شیف مأمر نموده است و حال آنکه شیف بندر نیست. ملک ارضی دولت علیه است و در آنجا دستگاه قرائطینه انگلیس ابداً نباید مداخله داشته باشد. عقیده چاکر آن است فوراً به دکتر انگلیس اطلاع داده شود که دخالت خود را در عمل حفظ‌الصحه شیف مرفوع نماید اگر چه چاکر استحضار از قرارداد بین دولتین ایران و انگلیس در خصوص حفظ‌الصحه ندارد ولیکن گمان نمی‌کند که در قرارداد اختیاری به انگلیسی‌ها جز تصرف در حفظ‌الصحه بنادر خلیج فارس داده شده باشد در این صورت حتی در مداخله حفظ‌الصحه داخله ایران نخواهد داشت اگر چنانچه جلوگیری از دایر نمودن قرائطینه در شیف نشود فردا در بزارجان و پس فردا در شیراز خواهند برقرار نمود و مسلم است دولت علیه ابداً راضی به این مطلب نخواهد بود که اجنبی در داخله مملکت تصرفات نماید.

خامساً انگلیسی‌ها در شمال بوشهر هم قرائطینه ارضی دایر کرده بودند و این مسأله به موجب قرارداد حفظ‌الصحه پاریس ممنوع شده است و نباید آنها مداخله نمایند چنانچه در فوق عرض شد گمان ندارم که قرارداد بین دولتین ایران و هند چنین اختیاری به آنها داده باشند و آنها حق رسیدگی حفظ‌الصحه را هم داشته باشند. خلاصه چون قرائطینه آنها خیلی بی‌ترتیب و نظم بوده است و مردم شکایت

به رئیس گمرک نمودند، رئیس گمرک که تغییرات آن را خواست مورد تغییر و تحکم بی‌موقع قونسول انگلیس گردیده است.

قونسول انگلیس در کاغذ مورخ سیزدهم اوت ۱۹۰۴ خود که به مسیو وافلارت رئیس گمرکات نوشته، صریح می‌گوید همیشه میل دارم نسبت به شما مهربان باشم ولیکن این را باید بگویم که با شما به هیچ وجه مذاکره در مسأله حفظ‌الصحه نخواهم نمود زیرا که این مطلب به کلی راجع به مجلس حفظ‌الصحه انگلیسی است. فقط جوابی که می‌خواهم از شما آن است که اطمینان بدهید بعدها نه شما نه اجزای شما مداخله در امور حفظ‌الصحه انگلیس ننمایید و رجوعی در محافظ بوشهر نداشته باشید. دخالت شما باید محدود باشد بر اینکه فقط مخارج قرانطینه را بدهید و در موارد لازمه پیشرفت کار اطباء را هم فراهم داشته باشید و کمک نمایید.

مسیو دافلارت با نهایت عاقلی و مآل‌اندیشی احتراز از جواب دادن این کاغذ نموده و یقین که عدم اقدامات به جواب را حضرت مستطاب اشرف اقدس دامت مدظله تصدیق و تحسین خواهد فرمود. [۴] لیکن گمان نمی‌کنم که دولت علیه به این درجه به تخفیف چاکران خود در مقابل روسای [رؤسای] طبای انگلیس که حقیقتاً در سواحل و بنادر حکومت تامه پیدا کرده‌اند راضی شود.

از حضور مبارک مستدعی است چاکر را از قراردادهای سابق مستحضر فرمایند.

۲۱ رجب ۱۳۲۲

دخالت روس‌ها در امور مختلف و از جمله کارشکنی‌های آنها در برابر انجام اقدامات بهداشتی در ایران بسیار گستاخانه‌تر بود. رییس مجلس حفظ‌الصحه دولتی در این خصوص و با رعایت ملاحظات بسیار در طی درخواستی به‌منظور برقراری قرنطینه برای جلوگیری از بیماری وبا چنین می‌گوید:

[سند شماره ۶]:^۷

مجلس حفظ الصحة دولت علیه ایران (۲۸ رمضان)

نمره: ۷۴۵۵

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته العالی چنانکه خاطر را مستحضر داشته به مناسب بروز وبا در قزوین برای حتی الامکان منع سرایت مرض به پایتخت مجلس حفظ الصحة دولتی مقرر داشته که در کرج قرنطین پنج روزه ترتیب دهد [۰]. محل قرنطین در همان عمارت دولتی کرج خواهد بود که مجلس سابقاً تعمیر نموده و برای قرنطین معین داشته است [۰].

موخراً یک قسمت از آن عمارت را قشون دولت بهیه ساخلو کرج اشغال نموده بودند [۰]. چون مرض از رشت تجاوز ننموده و فقط از مسافرین رشت معاینه طبی می شد و مدت معاینه نیز ۲۴ الی ۴۸ ساعت بیشتر نبود (مسافرین قزوین یک الی پنج ساعت می ماندند) [۰]. اشغال یک قسمت از عمارت به توسط افراد قشونی دولت بهیه اسباب اشکال نمی شد و مجلس نیز حرفی نداشت؛ ولی فعلاً مسأله صورت دیگری پیدا کرده است [۰]. مرض خیلی نزدیک و تهدیدآمیز شده [۰]، مدت قرنطین طولانی خواهد بود به علاوه نه تنها مسافرین رشت بلکه مسافرین قزوین و همدان و سایر جاها که از قزوین می گذرند باید در کرج بمانند [۰]. لهذا جمعیت زیاد خواهد شد و البته کلیه عمارت محتاج مالیه می شود از طرف دیگر دور نیست حتی خیلی محتمل است که در کرج بین مسافرین به مرض کلر [وبا] بروز نماید [۰]؛ چنانکه محض پیش بینی یک سمت عمارت به عنوان مریض خانه معین شده است [۰]؛ بنابراین احوال لازم می آید که قشون دولت بهیه به نام همراهی با امور صحیه که منافع آن راجع به عموم است و برای [وقایه] و صیانت صحی خود افراد قشونی که یقیناً در خطر ابتلا به مرض خواهند بود عمارت را تخلیه و

تماماً به طبای قرنطین واگذار نمایند [۰]. چو موسم موسم تابستان است برای ایشان شاید مشکل نباشد که در چادر اقامت نمایند [۰]. در هر صورت مستدعی است اقدامات لازمه را بفرمایند تا شاید انشاءالله از قرانطین نتیجه مطلوبه حاصل آید [۰]. مجلس حفظالصحه با کمال امیدواری انتظار دارد که رؤسای قشونی دولت بهیه در کرج در حین لزوم همراهی لازمه را از طبای قرنطین به عمل خواهند آورد که در این مورد که صحت عموم در معرض خطر است استثناء آتی در باب قرنطین رو ندهد [۰]. اگر هم نظریاتی در کار باشد مستدعی است مجلس را مستحضر فرمایند تا قبل از وقت تدابیر لازمه اتخاذ شده [۰] از هرگونه سوء تفاهم جلوگیری شود [۰]. رئیس مجلس حفظالصحه دولتی

سند ذیل یکی دیگر از مشکلات بهداشتی به وجود آمده توسط قدرت‌های حاضر در ایران می‌باشد:

[سند شماره ۷]:^۸

وزارت امور خارجه

اداره: ترجمه و اطلاعات

به تاریخ ۲۲ ذی قعدة ۱۳۳۳

یادداشت به سفارت روس

به واسطه بروز وبا در رشت و انزلی وزارت جلیله داخله مصمم است که به دستیاری و مساعدت مجلس حفظالصحه دولتی اسباب تنظیف شهر را فراهم آورده و از کثافتاتی که مولد مگس و پشه می‌باشد حتی الامکان جلوگیری نماید و چون گاری‌خانه‌ها و اصطبل‌های واقعه در داخله شهر پیش از همه اسباب تولید مگس و پشه را فراهم ساخته و بنابراین موجب توسعه و شدت امراض مسریه می‌گردد. وزارت امور خارجه اعلیحضرت شهرباری از آن سفارت بهیه متمنی است به اتباع

خود امر و مقرر فرمایند که به قدر امکان اصطبل‌های خود را به خارج منتقل نموده، در تنظیف و پاک کردن آنها نهایت اهتمام را مرعی دارند نظر به اینکه این اقدام متضمن خیر عامه می‌باشد وزارت امور خارجه یقین کامل دارد که از طرف آن سفارت بهیه در اجرای این ترتیب اوامر فوریه صادر خواهند گردید.

نتیجه

از این چند فقره اسناد تاریخی محدود، می‌توان تا حدودی با اوضاع و تحولات بهداشتی در واپسین سال‌های دوره قاجاریه (مصادف با آغاز قرن بیستم میلادی) آشنا گردید. این دوره یکی از مهمترین دوران تاریخ ایران جهت بررسی تحولات مختلف تاریخی و اجتماعی می‌باشد چرا که ما در این عصر شاهد عبوری آرام از سنت به مدرنیته می‌باشیم و به همین دلیل هم چالش‌های پیش روی پیشرفت در عرصه‌های مختلف از جمله پزشکی و بهداشت بسیار متعدد و قدرتمند بودند. که از جمله مهمترین آنها که در مجموعه این نوشتار به روایت اسناد بیان گردید، شامل مقاومت‌های فرهنگی مردم، کارشکنی‌های حکام محلی و کارشکنی‌ها و مقاومت‌های برخی از طبیبان سنتی می‌شد. اما با وجود تمامی این مشکلات و موانع، دو نهاد آموزشی و بهداشتی کشور که همان دارالفنون و هیأت صحیه یا مجلس حفظ‌الصحه دولتی بودند در کنار عوامل مهم دیگر نظیر افزایش ارتباطات با کشورهای رو به پیشرفت، دانش‌آموختگان بازگشته از فرنگ و پزشکان خارجی حاضر در ایران، روند تحول‌خواهی در عرصه پزشکی و بهداشتی در کشور را نیز فزونی بخشیدند و بدین سبب گفتمان جدیدی را در عرصه تحولات پزشکی و بهداشتی در ایران رقم زدند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- «قانون بلدیة»، مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی، تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۱۸. ۸۶-۹۸.
- ۲- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۶۱-۲۲-۱۳۲۵ ق.
- ۳- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۶۴-۲۲-۱۳۲۵ ق.
- ۴- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۵-۲۷-۱۳۳۳ ق.
- ۵- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، (۶۰-۵۸-۷-۲۷-۱۳۳۳ ق).
- ۶- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، (۶ و ۵) - ۹ - ۱۹ - ۱۳۲۴ ق.
- ۷- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۰ - ۴۸ - ۳۷ - ۱۳۳۴ ق.
- ۸- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳-۲۷-۱۳۳۳ ق.

فهرست منابع

- توکلی طرقي، محمد. مجله تجدد روزمره و «آمپول تدین» خانه، ایران نامه» سال بیست و چهارم، ۱۳۸۷، ش ۴.
- روزنامه وقایع اتفاقیه. (رمضان ۱۴۲۶ ق. / جولای ۱۸۵۳ م.). ش ۴. ص ۷۸۴.
- روزنامه تربیت. (ذی‌القعدة ۱۳۱۵ / آوریل ۱۸۹۸). ش ۸۳. صص. ۳-۴.

یادداشت شناسه مؤلف

محسن گنج‌بخش زمانی، فوق لیسانس علوم سیاسی و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی

نشانی الکترونیکی: mzamani7@gmail.com

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۸/۹/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۲/۲۱